

علم أصول الفقه

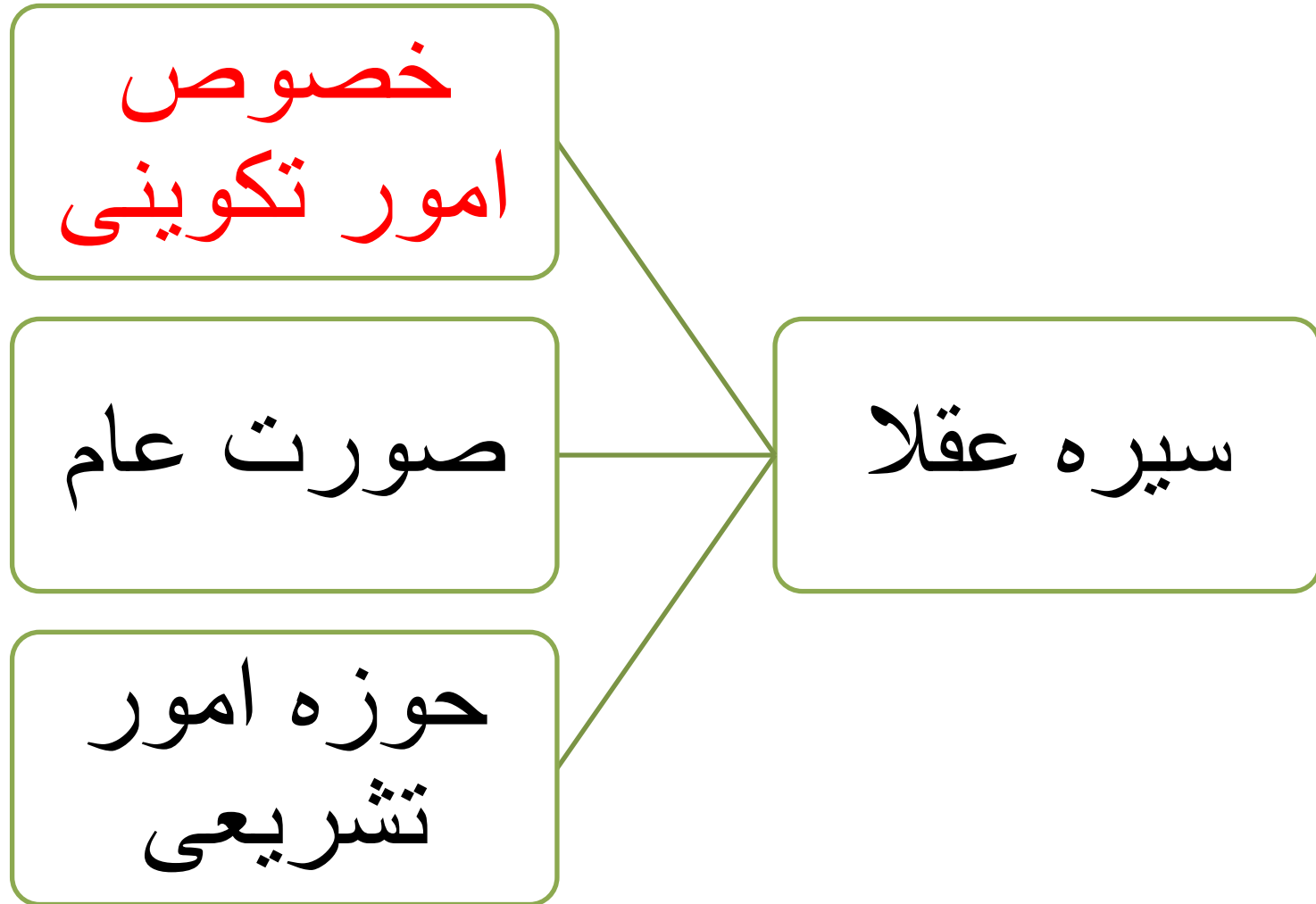
٣٠ ٨-١٠-٩٣ ظهور

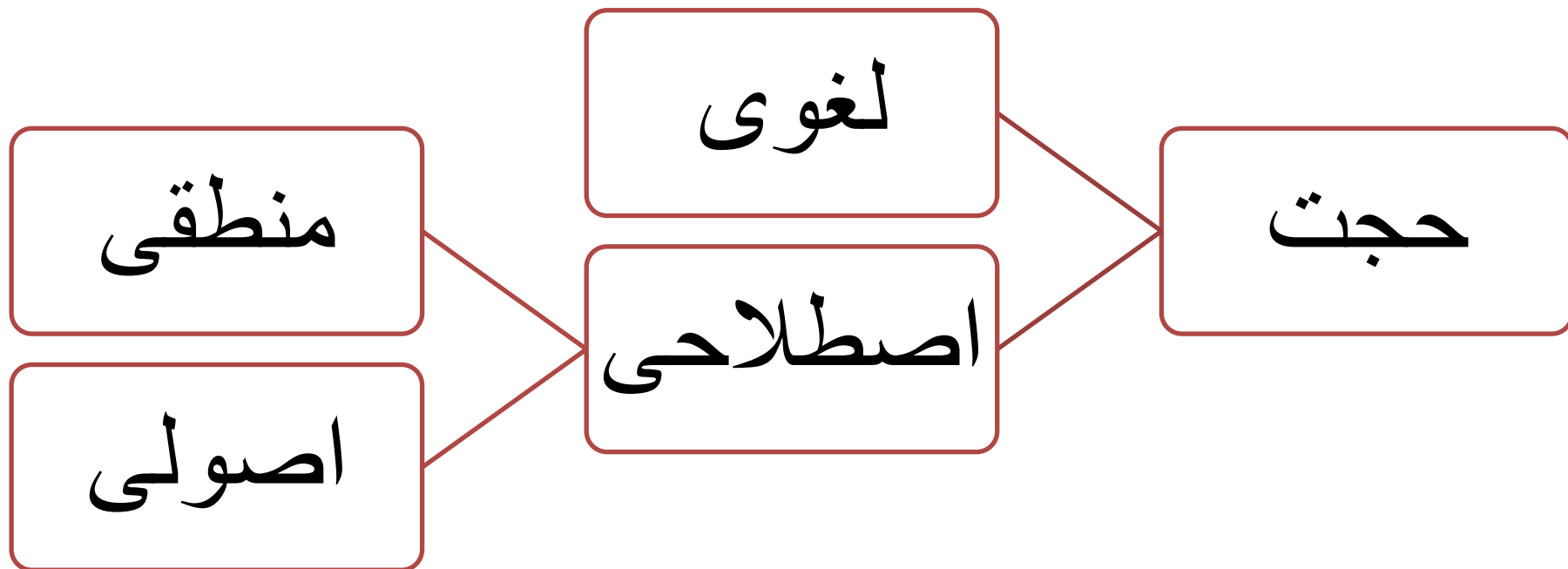
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

آخرین گفتگوی شیطان

• وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ
 وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ
 إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا لَوْمُوا
 أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ
 بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٢٤}
 (٢٢)

سیره عقلا در باب ظواهر





ردع به عمومات نفی ظن

- اصولی ها اشکالی را در اینجا مطرح کرده اند که شهید صدر ره هم به آن می پردازد.

ردع حجیت ظاهر

- در موارد مشابه این مسأله مثل حجیت خبر واحد هم همین اشکال مطرح شده است. آن اشکال این است که ظهور مفید ظن است و ما حتی از ظهوری صحبت نمی‌کنیم که موجب اطمینان است.

ردع حجیت ظاهر

- شارع به نحو مطلق حجیت امور ظنی را انکار کرده و فرموده است:
ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً.
- و در مقام توییح فرموده است: **ان یتبعون الا الظن**؛ این ها جز دنبال ظنون خودشان نمی روند. نباید تبعیت از ظن خودشان می کردند و در عین حال تبعیت کردند.
- یا می فرماید: **قل آله اذن لکم ام علی الله تفترون**؛ خدا به شما اذن داده استیا افتراء به خدا می زنید؟ یعنی شما فقط گمان می کنید و اگر بخواهد به صرف گمان چیزی را به خدا نسبت بدهید این افتراء است.

ردع حجیت ظاهر

- اشکال این است که این نوع آیات که در اصطلاح به آن ها مطلقات ناهی از ظن می گویند، اعتبار ظن را نفی می کند و دلیل هستند بر ردع شارع نسبت به مطلق ظنون از جمله ظن حاصل از ظهور.

ردع حجیت ظاہر

- در مقام پاسخ به این اشکال دو مسیر طی شده است:
- یک مسیر همان است که بعضی‌ها مثل مرحوم مظفر رفته اند. این عده گفته اند که این آیات به آن حوزه‌ای مربوط می‌شود که در آن، ظن به هیچ وجه حجیتی ندارد مثل امور اعتقادی.
- پس آیات ربطی به بحث ما ندارد؛ زیرا ما الآن نمی‌خواهیم در حوزه اعتقادات به ظواهر عمل کنیم، بلکه بحث ما در عمل به ظواهر در حوزه فروع شرعی است.

ردع حجیت ظاهر

- مسیر دوم
- این راهی است که شهید صدر ره در مقابل این آیات می فرمایند و به تحلیل سیره و تحلیل فرایند ردع بر می گردد.
- در این راه گفته شود این آیات نمی توانند رادع سیره باشند؛ یعنی هرچند به اطلاق یا عمومشان شامل سیره شوند، نمی توانند رادع آن باشند.
- جواب درست هم همین است.

ردع حجیت ظاهر

- این یک گزاره مربوط به تکوینیات است،
- یونس، آیه ۳۶.
- الانعام، ۱۱۶.
- یونس، ۵۹.
- مرحوم آخوند سه پاسخ داده‌اند که یکی مثل پاسخ مظفر ره است.

ردع حجیت ظاهر

- نقد مسیر اول
- هر دو ادعایی که این مسیر دارد با مشکل مواجه است. دلیلی که این افراد در ادعای اول مبنی بر اینکه این آیات مربوط به اعتقادات است دارند این است که آیات پیش گفته در موردی به کار رفته اند که یک امر اعتقادی مطرح بوده است.

ردع حجیت ظاهر

- مثلاً خداوند تبارک و تعالیٰ با کفار صحبت می‌کند و بحث آن‌ها با مسلمانان سراین نبود که نماز صبح دو رکعت است یا شش رکعت، بر سر اصول اعتقادی، در اصل نبوت پیغمبر و اینکه خدایی هست، ماقشه می‌کردند. و بوده، در واقع این عده می‌خواهند با استفاده از مورد آیه اختصاص آیه به حوزه اعتقادات را ثابت کنند.

ردع حجیت ظاهر

- اشکالی که بر چنین استدلالی وارد می‌شود این است که مورد مخصص وارد نیست؛ یعنی یک مطلبی که خودش شمول و کلیت دارد، اگر در یک مورد خاص به کار رفت، این کاربرد، باعث نمی‌شود که شمولش از بین برود؛ مثلاً اینکه خدا فرموده است ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً، این یک قاعده عام است.
- اینکه خداوند این قاعده را در حوزه اعتقادات و در احتجاج علیه ا کفار به کار برده است، باعث نمی‌شود که اختصاص به همین مورد پیدا کند و فقط در حوزه اعتقادات جاری باشد

ردع حجیت ظاهر

- بنابراین شاهی در خود این آیات وجود ندارد بر اینکه که اختصاص به اعتقادات داشته باشند.

ردع حجیت ظاهر

- نکته دیگر اینکه آنچه در مقام استدلال به کار می‌رود، ظاهر در این است که از مورد خودش وسیع‌تر است. در اصطلاح می‌گوییم علت ظهور در اعم از معلل دارد

ردع حجیت ظاهر

- وقتی مثلاً گوینده می گوید: اگر آهن را حرارت بدهیم منبسط می شود؛ چون فلز در اثر حرارت منبسط می شود، این عمومیت علت نسبت به معلل اقتضا می کند که هر فلزی در اثر حرارت منبسط شود و این چیزی وسیع تر از این است که این آهن در اثر حرارت منبسط می شود. اما اینکه چقدر توسعه دارد و آیا فقط شامل همه آهن ها است یا همه فلزهای جامد یا همه فلزها هر چند جامد نباشند را در بر می گیرد. این دیگر از خود ذات تعلیل فهمیده نمی شود.

ردع حجیت ظاهر

- البته در جای خود بحث داریم که اطلاق تعلیل، در اعم بودن تعلیل ظهور دارد؛ یعنی اگر بتوان برای تعلیلی چند دایره فرض کرد، آن اطلاق اقتضا می‌کند که اوسع دوائر مراد گوینده باشد.
- در هر حال قاعدة «علت ظهور دارد در اعم از معلل» فی حد نفسه بیش از این اقتضا نمی‌کند که علت وسیع‌تر از مورد خودش را می‌گیرد؛ اما این توسعه چقدر است، را خود این قاعده بیان نمی‌کند.

ردع حجیت ظاهر

- هر چند مرحوم آخوند نیز اشکال کرده اند که اصولاً تمسک به این نوع ادله برای نفی حجیت ظهور دور به همراه دارد؛ چون خود این ادله هم دارای ظهورات هستند و شما با این ظهورات می خواهید ثابت کنید که ظهور حجت نیست؛ البته این بیان دور مصطلح نیست.

ردع حجیت ظاهر

- دور مصطلح آن است که وجود یک شیء متوقف بر وجود خودش باشد. در اصطلاح فلسفه به ایم امور می‌گوییم: ما یلزم من وجوده عدمه، نه ما یتوقف وجوده علی نفسه که دور همین دومی است. اینجا از این قبیل مورد اول است؛ یعنی فرض حجیت ظهور مستلزم عدم حجیت ظهور است؛ چون خود این ادله هم‌دارای ظهور هستند و با فرض حجیت ظهور می‌شد بدان‌ها استدلال کرد و اگر در نهایت با استدلال ظهور حجت نباشد، ظهور این ادله هم حجت نیست.

ردع حجیت ظاهر

- اشکال
- وقتی شارع می خواهد بگوید ظهور حجت نیست، چاره‌ای ندارد جز اینکه با یک قول یا فعل دارای ظهور این را بیان کند.
- پس اگر ما بگوییم که تمسک به این ظهور محال است؛ چون فرض وجودش مستلزم عدمش است، معنایش این است که اصلاً شارع راهی برای ردع ندارد
-

ردع حجیت ظاهر

- جواب این است که شارع می تواند ردع را اگر سند آن ظهور قطعی بود مثل آیه قرآنی روایت متواتر، در بخش سند مشکل ظن پیدا نمی شود. در ناحیه دلالت، اگر می گوئیم کلام ظهور دارد، معنایش این نیست که اصولاً هیچ سخنی نداریم که نص باشد. اینکه ظهور حجت است یا نیست، ربطی به وجود نص ندارد. البته مقصود ما از نص در اینجا در مقابل ظهور است.

ردع حجیت ظاهر

- ظهور همان مدلول احتمالی قوی است که احتمالات خلافش ضعیف است و نص مدلولی است که یقینی است و احتمال خلاف در آن نیست. در هر کلامی همیشه بخشی از مدلول کلام نص است. و معمولاً آن نص که در اصطلاح به آن قدر متقین می‌گوییم، محفوف به ظاهر است.

ردع حجیت ظاهر

- بنابراین شارع می تواند ردع خود نسبت به ظنون را به صورت نص بیان کند. مثلاً در ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً، چون شارع ظن را به ظن خاصی مقید نکرده است، اطلاقش همه ظنون را در بر می گیرد. این تمسک به اطلاق در حقیقت تمسک به ظهور است. حال اگر شارع به صراحت بیان می کرد که هرگونه ظنی، چه در اصول اعتقادات، چه در فروع اعتقادات، چه در فروع عملی، از درجه اعتبار ساقط است، دیگر مشکل ظهور وجود نداشت و نص در این مطلب می شد. بنابراین شارع برای ردع صریح و یقینی راه دارد.

ردع حجیت ظاهر

- این اشکالی است که در منطق جدید زیاد به آن پرداخته شده است. مبنای پارادوکس راسل در منطق جدید همین بحث است که اگر یک گزاره‌ای مفاد خودش، خودش را نقض می‌کند، ارزش منطقی اش چقدر است؟

ردع حجیت ظاهر

- مثل اینکه کسی بگوید که هر چه من می گویم دروغ است. اگر مفاد این جمله را بپذیریم، شامل خود همین قضیه هم می شود؛ یعنی خود همین که هر چه من می گویم دروغ است، هم دروغ است. و پس اگر حتی همین قضیه هم دروغ باشد، بعضی از این چیزهای که وی می گوید دروغ نیست. این نتیجه با مفاد اوایه قضیه پیش گفته تناقض دارد. این یک پارادوکس است و در بحث های منطقی جدید خیلی دباره این پارادوکس راسل بحث شده است.

ردع حجیت ظاهر

- شهید صدر ره می فرمایند پذیرش این جواب آخوند ره مبتنی است بر پذیرش اینکه این آیه ناظر به ظهور خودش هم باشد؛ می خواهد بگوید که ظن حاصل از ظهور حتی همین ظهوری که الآن در این آیه هست، حجت نیست. اما اگر گفتیم این آیه ناظر به ظهور خودش نیست، در این صورت این اشکال وارد نخواهد بود.

ردع حجیت ظاهر

- در پارادوکس راسل هم یکی از جواب هایی که داده می شود همین است که وقتی کسی می گوید همه سخنان من دروغ است، ناظر به خود این گزاره نیست. یعنی همه گزاره ها غیر از این گزاره کاذب است. بنابراین تناقضی ندارد.

ردع حجیت ظاهر

- شهید صدر ره این جواب را در این بخش از بحوث اشاره نکره اند و جناب هاشمی شاهرودی این جواب را در پاورقی اشاره کرده اند؛ البته خود شهید صدر ره در بحث پارادوکس راسل می گویند این وجدانی است که این گزاره خودش را در بر نمی گیرد، اگر کسی بگوید وجدانی است، یعنی یقین دارد و یقین برای هر کس که مدعی یقین است، حجت است. اما اگر ما نگفتیم یقین داریم یا وجدانی است، جای سؤال هست که چرا این گزاره شامل خودش نشود. بنابراین اشکال آخوند ره به جای خودش باقی می ماند.

ردع حجیت ظاهر

- شهید صدر ره یک احتمال دیگر هم ذکر می کنند که ممکن است کسی بیاید بگوید که ما حجیت ظهور این آیه را به سیره عقلایی اثبات می کنیم، بعد با استفاده از این ظهور حجت اثبات می کنیم که سایر ظهورات حجت نیستند.

ردع حجیت ظاهر

- اینسخن ایشان عرفی نیست و فقط یک احتمال است. اینکه بگوییم سیره عقلا بر حجیت ظهور بود تا وقتی که این آیه نیامده بود. بنابراین خود این آیه مشمول حجیت بود. آن گاه ظهور این آیه که حجت شد دلالت کرد بر اینکه ظهورات حجت نیستند. این بیشتر مثل شعبده بازی است. زیرا از این بیان معلوم می شود که شارع اصلاً با هیچ ظن حاصل از ظهوری موافق نیست و اگر موافق نیست با همین ظن حاصل از ظهور آیه هم موافق نیست.

ردع حجیت ظاهر

- در حقیقت اینکه قبل از نزول آیه ردعی به ما نرسیده بوده و گمان می کردیم آن سیره عقلائی بر اخذ به ظهور امضا شده است، اشتباه بود و در واقع با خود همین آیه آن سیره ردع شده بود. نیست. بنابراین این اشکال وارد است.

ردع حجیت ظاهر

- ادعای دوم این افراد نیز جای تأمل دارد. در این ادعا گفته اند در حوزه اعتقادات اصلاً مجال ظن نیست..
- این حرف درست نیست. یک بخش از اعتقادات باید یقینی باشد؛ ولی بخشی از اعتقادات می تواند ظنی باشد با کمی تسامح می توان گفت که در اصول عقاید یقین لازم است؛ اما در فروع اعتقادی، یقین لازم نیست و ظن معتبر هم قابل پذیرش است، نه مطلق ظن؛ چون در گذشته گفتیم که ظن فی حد نفسه حجت نیست..

ردع حجیت ظاهر

- به همین دلیل ما در بحث‌های اعتقادی نیز به ظواهر تمسک می‌کنیم. مطالبی که در قرآن درباره بهشت و جهنم وارد شده است، جزء فروع اعتقادی هستند. اصل اعتقاد به معاد جزء اصول است؛ اما کیفیت معاد جزء فروع نیست این همه روایت در مورد کیفیت برزخ و حوادث بعد از مرگ، سؤال قبر و فشار قبر داریم. همه اینها از ظواهر روایات برداشت می‌شود و امور یقینی نیستند. بر بیشتر آن‌ها برهانی نداریم که یقین آور باشد. در معاد جسمانی، مثل ابن سینا می‌گوید معاد جسمانی یک امر تعبدی است و حتی تردید دارد که اصل معاد را هم بتوان با عقل ثابت کرد. البته صدر المتألهین ره معتقد استبر اصل معاد می‌توانیم برهان اقامه کنیم، بلکه بر معاد جسمانی هم می‌توانیم برهان اقامه کنیم.

ردع حجیت ظاهر

- بنابراین این طور نیست که در عقاید اصلاً امکان تمسک به ظنون نباشد. پس تفسیر صحیح این آیات می تواند این باشد که اینها از ظن تبعیت می کنند در حالی که ظن فی حد نفسه حجت نیست یا ظن در اصول عقاید حجت نیست. ظاهراً آن تفسیر اول مراد است.

ردع حجیت ظاهر

- اصطلاحاً به اینها پارادوکس می گویند یعنی نوعی تناقض درونی و نوعی تنافی دارند